

از جایی به جز تهران بگو

چند وقت پیش با جمعی از دوستان تهرانی گفت و گو می کردم که حرف به فعالیت فرهنگسراها رسید. از من، میزان پویایی فرهنگسراهای شهرهای دیگر را پرسیدند که گفتم شهرستان ها فرهنگسرا ندارند. خیلی از بچه های غیرتهرانی حتی نمی دانند که فرهنگسرا چیست و چه می کند؟ چرا که به غیر از تهران فقط در چند شهر بزرگ دیگر مثل اصفهان فرهنگسرا تاسیس شده است، در حالی که تلاش می شود در شهر تهران هر منطقه شهرداری یک فرهنگسرا داشته باشد. فرهنگسراها، ساختمان هایی هستند که در آنها معمولا شرایطی برای آموزش امور گوناگون فرهنگی و اجتماعی و همچنین آموزش پیشه ها و هنرهای گوناگون فراهم می شود. برنامه های سرگرم کننده مفید و کارگاه ها و... جزء جدانشدنی این ساختمان هاست. بعضی از فرهنگسراها حتی کتابخانه و انتشارات ویژه خود را هم دارند. این در حالی است که نوجوان های غیرتهرانی پایگاهی برای این دست فعالیت ها ندارند. مکان های مشابه فرهنگسرا در غیر از کلانشهرها، کانون های پرورش فکری و ادارات ارشاد اسلامی، حوزه های هنری و... است که آنها هم به دلیل کمبود بودجه و امکانات و نیروی پای کار، اغلب در حال خاک خوردن هستند. بارها شاهد این بودم که نوجوانان به دنبال مکانی برای جمع شدن و تشکیل جلسات کتابخوانی یا راه اندازی کارگاهی هنری بوده اند و مأمونی برای فعالیت نیافته اند؛ نوجوانانی که خودشان می خواستند سرگرمی مفیدی برای خودشان ایجاد کنند. کانون های پرورش فکری که نسلی از نوجوانان میان اتاق هایش رشد کردند و مسیر خودشان را پیدا کردند، حالا در بعضی از شهرها هیچ فعالیتی ندارند. چرا نباید وزارت آموزش و پرورش که متولی این کانون هاست، سرسختانه، از مدیرانش گزارش بخواهد؟ چرا نباید این کانون ها محلی برای برگزاری دوره های مختلف با هزینه کم با هدف کشف استعداد باشند؟ با منفعل ماندن این کانون های دولتی، برگزاری رویدادهای مختلف به بخش های خصوصی محول می شود؛ بخش های خصوصی ای که در قیمت گذاری ایایی از چیزی ندارند. در نتیجه بی عدالتی گسترده تر می شود و شکاف طبقاتی عمیق تر. سرگرمی های مفید تابستانه، برای نوجوانان غیرتهرانی، هزینه بردارتر از کلانشهرهاست. با وجود مربیانی که ایده های جدید و نوبی برای سرگرمی و رشد نوجوانان دارند، نباید اوضاع شهرستان های کوچک تر در این سطح باشد. با حمایت های دولتی می توان سرگرمی های جذابی برای این نسل ایجاد کرد.



از بازی تا سرگرمی سازی

تا حالا شده تحت تاثیر تبلیغات گسترده، برای سرگرم شدن در یک رویداد نوجوانانه شرکت کنید؟ رویدادی که انبوهی از عوامل برای ایده پردازی و اجرای آن پای کار بوده باشند، ولی شما یا آن را حوصله سرب بردانید یا کودکانه؟ با خود بگویید اینها چه تصویری از سن و نسل ما دارند؟! چقدر تصور غلط. مطمئن هستم برای شما هم پیش آمده که دست از پا درازتر، با کلی گله از جایی برگردید و به جای سرگرم شدن، کله تان داغ شده باشد. گاهی متولیان فرهنگی، پادشاه می رود که نوجوان جماعت دیگر کودک نیست و می تواند خودش دست به کنشگری بزند. نیاز نیست صفر تا صد برنامه را آدم بزرگ ها برای او برنامه ریزی کنند و حتی گاهی می توان صفر تا صد کار را به خود او سپرد. در حوزه سرگرمی این نیاز بیشتر نیز می شود. همیشه دیده ایم در آن برنامه هایی در سر صف بیشتر خوش گذشته که خودمان برنامه اش را ریخته ایم و مطابق سلیقه خودمان با بچه های مدرسه سرگرمی ساخته ایم. بزرگ ترها باید به نوجوان اعتماد کنند و به او بگویند: تو که کله ات از خلاقیت و شور لبریز است، بیا طرح ریزی کن. ما کمکت می کنیم که ایده هایت را اجرایی کنی. خودت بگو دوست داری چطور سرگرم شوی؟

اینها در حد حرف نیست و خیلی از جشنواره ها و موسسه هایی که برای نوجوان ایده پردازی های موفق داشته اند، میان تیم شان چندین نوجوان پیدامی شود. از شبکه امیدی که برای برنامه سازی هایش همیشه نوجوان ها را سرکار می آورد تا جشنواره طراحی برد گیمی که اخیرا برگزار شده است. رویداد بازی ران ۲ را دانشگاه امام صادق راه انداخته است. آنجا اول نکات و مبانی بازی، بازی های جدی، یادگیری بازی بنیاد، گیمیفیکیشن، اصول طراحی بازی و... آموزش داده می شود و سپس شرکت کنندگان خودشان بازی رومیزی خودشان را طراحی می کنند. قسمت جذابش هم آنجاست که پروژه توسط داورها ارزیابی می شود و اگر کار خوب باشد، از آن حمایت مالی و حقوقی شده تا بازی طراحی شده با نام طراح تولید شود. یعنی اول اصول ساخت را یاد می گیریم و بعد خودمان سرگرمی خودمان را می سازیم.



من سرگرم

بررسی کم و کاستی ها در حوزه سرگرمی

تابستان شروع شده و همه دانش آموزان در بهار که از اتاق خواب های نوجوان جماعت در یک جای کار می لنگد؛ لنگیدن هم از پای است. سرگرمی به هر نوع فعالیتی می گویند که اگر بخواهیم به زبان خودمان بگوییم، مخ



فاطمه پورابراهیم

نوجوانه

برنامه هایی را که برای نوجوانان برنامه ریزی می شود، کنار زده است؛ چرا که بعضا نه توجهی را ج این که به زور دانش آموزان را به صف کنند و یکی یکی بشمارند که میباید کسی فرار کند و بعد همه را به بگیرند، سرگرمی نمی شود. سرگرمی لذت و شادی می آورد. وقتی هم نباشد، نمی توان زندگی را گذران سمت کسانی نشانه گرفتیم که در حوزه سرگرمی و جلوگیری از آسیب های سرگرمی می توانند کاری باعث می شود این قدر حوصله مان سر برود. نوجوانه، با سرگرمی به مثابه یک مسأله برخورد می کند مورد بررسی قرار داد و جاهای خالی اش را پر کرد و جلوی آسیب هایش را گرفت و آدم های شادتری

کجا باید برم؟!

اگر دختر باشید، بارها حالتی را تجربه کرده اید که می خواهید ساعتی با دوستان تان از خانه بیرون بزنید ولی نمی دانید کجا بروید. فضاهای سرپراهنه است و اگر خود یا خانواده تان چارچوب های خاص خودتان را داشته باند لیست گزینه های گردش دوستانه تان خط می خورند. محیط های دخترانه یا وجود بی امکانات هستند که رغبتی برای استفاده از آنها نیست. برخی پارک های تهران که به درد گردش های خانوادگی هم نمی خورند.

در شهرسازی همیشه در مورد این صحبت می شود که بخشی از فضای شهری باید صرف تفریحی گردد. جایی تا شهروند بتواند آنجا سرگرم شود. درحالی که کمتر از تقسیم این فضاهای آورده می شود. نیمی از جامعه را زنان تشکیل می دهند و در کشوری که رویایش آرمان شهری در مسلمان مسأله ای مهم برای برنامه ریزی است.

خیلی از شهرها هنوز پارک بانوان ندارند. جایی برای ورزش هوازی و پیک نیک و گفت و گو در محرم نمی اندازد. رودخانه و دریاچه ای اگر در شهر هست، بخشی از آن مختص بانوان قرار داده نمی شود. سرگرمی داریم که مطمئن باشیم می توانیم بدون دغدغه پوشش و حفظ شأن اجتماعی و... س ایرنا گزارش شده که داده های فضای سبز پایتخت نشان می دهد تعداد بوستان های تهران از این تعداد، هفت پارک در مناطق مختلف به بانوان اختصاص یافته است و از امکانات فر این تعداد پاسخگوی نیاز دختران پایتخت است؟ آمار این فضاهای اختصاصی برای زنان

